

عبارات کلیدی برای کنفرانس ممزوج کننده شکرگزاری ۲۰۲۵

آنچه امروز به آن نیاز داریم، بینش به روز، آنی، و زنده
از مسیح آسمانی به عنوان آن ستاره زنده است.

عمانوئیل عملی، روح واقعیت
به عنوان حضور خدای سه یکتای تکمیل شده در روح ما است؛
حضور او همیشه با ما در روحمان است،
نه تنها روز به روز، بلکه لحظه به لحظه.

واضح ترین مکاشفه تثلیث الهی، در متی ۲۸: ۱۹ است:
«پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید
و ایشان را به [در] اسم
پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید.»

دو اصل بزرگ در عالم هست –
اقتدار خدا و طغیان شیطان؛
ستیز منحصر به فرد بین خدا و شیطان
مربوط به اقتدار است.

رئوس مطالب پیام‌ها
برای کنفرانس ممزوج‌کننده شکرگزاری
۲۷-۳۰ نوامبر ۲۰۲۵

موضوع کلی:
مسیح شامل تمام
همانطور که در متی آشکار شده است
پیام یک
بینش به‌روز، آنی و زنده
از مسیح آسمانی به عنوان ستاره زنده

خواندن متون مقدس: متی ۲: ۱-۱۲؛ اعداد ۲۴: ۱۷؛ پیدایش ۱: ۱۴-۱۹؛ دانیال ۱۲: ۳؛
مکاشفه ۱: ۱۶، ۲۰: ۲، ۱، ۲۸: ۳؛ ۱: ۲۲؛ ۱۶: ۲؛ پطرس ۱: ۱۹؛ پیدایش ۲۲: ۱۷؛ یهودا ۱۲-۱۳

۱. پس از اینکه عیسی در بیت لحم متولد شد، مجوسیان از مشرق به اورشلیم آمده، گفتند: «کجاست آن مولود که پادشاه یهود است زیرا که ستاره او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش او آمده ایم؟» (متی ۲: ۲)؛ این تحقق اعداد ۲۴: ۱۷ بود که می‌گوید: «ستاره‌ای از یعقوب طلوع خواهد کرد»؛ این ستاره به مسیح اشاره دارد:

آ. مجوسیان نگفتند «'یک' ستاره دیده‌ایم» یا «'آن' ستاره را دیده‌ایم»، بلکه گفتند «ستاره 'او' را دیده‌ایم»؛ ستاره، مسیح آسمانی است.

ب. ستاره‌ای که در متی ۲: ۲ از آن صحبت شده است، به این مردان عالم نشان داده شد؛ آن به هیچ یک از مردم اسرائیل ظاهر نشد. در حالی که یهودیان متون مقدس مربوط به مسیح را داشتند و می‌دانستند که او کجا متولد خواهد شد (آ. ۴-۶)، مجوسیان ستاره مسیح را دیدند.

پ. یهودیان دارای دانش کتابی درباره محل تولد مسیح بودند (میکاه ۵: ۲)، ولی این مردان عالم از مشرق، یک بینش زنده از او دریافت کردند؛ عاقبت، ستاره آنها را به مکانی که مسیح در آن بود رهبری کرد (متی ۲: ۱-۱۲).

ت. مسیح خورشید واقعی است (ملکی ۴: ۲)، ولی به طور دقیق، او در عصر [زمان] شب به عنوان خورشید ظهور نمی‌کند؛ بلکه او به عنوان یک ستاره می‌درخشد (مکاشفه ۲: ۲۸)؛ یک ستاره در شب می‌درخشد، ولی نشان می‌دهد که روز در راه است (رومیان ۱۳: ۱۱-۱۴).

ث. وقتی مسیح اولین بار آمد، آشکارا به عنوان یک ستاره ظهور کرد، ولی وقتی بار دوم بیاید، او برای غلبه کنندگان خود که منتظر آمدن او [بیدار] هستند، ستاره صبح خواهد بود (مکاشفه ۲: ۲۸؛ ۲۲: ۱۶)؛ برای دیگران، مسیح بعداً به عنوان خورشید ظهور خواهد کرد (ملکی ۴: ۲؛ ر. ک. متی ۱۳: ۴۳).

۲. متی ۲: ۱-۱۲ آشکار می‌کند که یافتن مسیح یک مورد زنده است؛ این مورد صرفاً شناخت یا دانش آموزه‌ای کتاب مقدس نیست:

آ. آن ستاره، دور از معبد در سرزمین مقدس، از مرکز دینی و مذهبی یهود، از کاهنان، کاتبان، فریسیان، و از همه افراد مذهبی ظهور کرد؛ در عوض، ستاره‌ای بود که چیزی از مسیح را در سرزمینی بت‌پرست نشان می‌داد.

ب. صرفاً گرفتن کتاب مقدس در دستان و خواندن میکاه ۵: ۲، که می‌گوید مسیح در بیت لحم متولد خواهد شد، کارساز نیست؛ ممکن است کتاب مقدس را داشته باشیم، ولی ستاره آسمانی را از دست بدهیم.

پ. آن ستاره، مکاشفه زنده، بینش زنده است، نه دانش آموزه‌ای کهنه و مرده از متون مقدس، نه

دانش مرده از میکاه ۵: ۲؛ آنچه امروز به آن نیاز داریم صرفاً دانش کتاب مقدس نیست، بلکه بینش آسمانی، بینش به روز و آتی، بینش زنده است، آن بینش که نظریات انسانی هرگز نمی‌توانند آن را تعلیم دهند.

ت. حتی اگر ما دانش یا شناخت کتاب مقدس را داشته باشیم، باز هم به ستاره زنده، به روز و آتی نیاز داریم تا ما را به همان خیابان و همان خانه‌ای که عیسی در آن است، رهبری کند.

ث. پس از دریافت بینش زنده، مجوسیان توسط نظر انسانی خود گمراه شدند و به اورشلیم، پایتخت ملت یهود، جایی که گمان می‌رفت پادشاه باشد، رفتند. گمراه شدن آنها باعث کشته شدن بسیاری از پسران جوان شد - متی ۲: ۱۶.

ج. وقتی که آنها به اورشلیم رسیدند و در مورد محل تولد پادشاه یهودیان پرس و جو کردند، متون مقدس می‌گوید که «هیرودیس پادشاه چون این را شنید، مضطرب شد و تمام اورشلیم با وی» - آ. ۳:

۱. وقتی این خبر را شنیدند، باید شادی می‌کردند؛ در عوض، مضطرب شدند؛ این به هیچ دلیل دیگری نیست بجز اینکه آنها واقعاً جویای منجی نبودند - ر. ک. امثال ۴: ۲۳.

۲. اگر کسی که به خداوند ایمان دارد، در احساسات درونی خود تحت تأثیر خداوند به عنوان عشق قرار نگیرد، لایق نیست که مسیحی خوانده شود - ۲ تیموتائوس ۴: ۸؛ مرقس ۱۲: ۳۰؛ ۱ قرنطیان ۲: ۹.

۳. یک مسیحی که انتظار آمدن خداوند یا ربوده شدن را دارد، باید این را به عنوان یک هشدار در نظر بگیرد - ۲ تیموتائوس ۴: ۸؛ تیطوس ۲: ۱۳؛ مکاشفه ۲: ۲۸؛ ۲۲: ۲۰؛ متی ۲۴: ۴۰-۴۴؛ ۸-۱۳: ۲۵.

چ. پس از آنکه مجوسیان توسط متون مقدس اصلاح شدند (۲: ۴-۶)، به بیت لحم رفتند (آ. ۸-۹)، و آن ستاره دوباره بر آنها ظهور کرد و آنها را به مکانی که مسیح در آن بود رهبری نمود، «و چون ستاره را دیدند، بی نهایت شاد و خوشحال گشتند» (آ. ۱۰):

۱. وقتی که مجوسیان توسط متون مقدس اصلاح شدند و به مسیر درست بازگردانده شدند، آن ستاره دوباره بر آنها ظهور کرد؛ بینش زنده همیشه با متون مقدس همراه است.

۲. کاهنان کسانی بودند که قانون [شریعت] را به مردم می‌آموختند (ملاکی ۲: ۷) و کاتبان کسانی بودند که متون مقدس را می‌شناختند (عزرا ۷: ۶)؛ هم کاهنان و هم کاتبان درباره تولد مسیح دانش داشتند (متی ۲: ۵-۶)، ولی برخلاف مجوسیان از مشرق، آنها آن بینش را ندیدند و نه دلی برای جستجوی مسیح داشتند.

۳. صرف نظر از اینکه چقدر «طبق متون مقدس» هستیم، اگر حضور خداوند را از دست بدهیم، مطلقاً در اشتباه هستیم؛ راه عهد جدید برای یافتن و پیروی از خداوند، ماندن مداوم در حضور پنهان اوست - یوحنا ۵: ۳۹-۴۰؛ اشعیا ۴۵: ۱۵؛ خروج ۳۳: ۱۱، ۱۴؛ ر. ک. ۲ قرنطیان ۵: ۱۶.

۴. جمع‌آوری دانش کتاب مقدس آسان است، ولی اگر می‌خواهیم هدایت زنده‌ای داشته باشیم، باید در یک رابطه صمیمی با خداوند زندگی کنیم؛ ما باید با او یک باشیم - متی ۲: ۱۰-۱۴.

۵. مجوسیان مسیح را دیدند و او را پرستیدند؛ سپس توسط خدا در خواب هشدار داده شدند که نباید به نزد هیرودیس بازگردند، پس آنها «از راه دیگر» به کشور خود مراجعت کردند (آ. ۱۲)؛ زمانی که مسیح را دیدیم، هرگز همان راه، راه دین و مذهب جدا از مسیح را در پیش نمی‌گیریم، بلکه همیشه راه دیگر را بر خواهیم گرفت.

۳. پیروان امین مسیح، ستارگان درخشان و زنده‌ای هستند، کسانی که از مسیح به عنوان ستاره درخشان و زنده پیروی می‌کنند تا تکثیر او باشند - دانیال ۱۲: ۳؛ ر. ک. پیدایش ۲۲: ۱۷:

آ. ستارگان زنده، از بینش آسمانی، زنده، به روز و آتی مسیح به عنوان مرکزیت و عالمیت اقتصاد خدا پیروی می‌کنند - اعمال ۲۶: ۱۶-۱۸؛ کولسیان ۱: ۱۷ ب، ۱۸ ب.

ب. ستارگان زنده کسانی هستند که مردم خدا را برکت می‌دهند؛ هر چه بیشتر خداوند را برای مردم خدا

ستایش کنیم و با ایمان از آنها به خوبی یاد کنیم، بیشتر خود را تحت برکت خدا قرار می‌دهیم - اعداد ۲۴: ۹؛ پیدایش ۱۲: ۲-۳؛ ۲۲: ۱۷.

پ. ستارگان زنده به کلام نبوت متون مقدس «مثل چراغی درخشان در مکان تاریک» توجه می‌کنند تا مسیح به عنوان ستاره صبح در دل‌هایشان روز به روز طلوع کند. اگر به کلام کتاب مقدس توجه کنیم، طلوع او را در دل‌هایمان خواهیم داشت تا در تاریکی ارتداد که امروز در آن هستیم، بدرخشد، قبل از اینکه او واقعاً به عنوان ستاره صبح ظهور کند - ۲ پطرس ۱: ۱۹؛ یوحنا ۶: ۶۳؛ مکاشفه ۲: ۲۸؛ ۲۲: ۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۸.

۱. در اصل ستاره صبح، یک مسیحی باید زود برخیزد زیرا صبح زود بهترین زمان برای ملاقات با خداوند است (برای مشارکت با خدا، ستایش و سرود خواندن، دعا-خوانی کتاب مقدس با خدمتگزاری، و دعا کردن به خداوند) - غزل غزلها ۷: ۱۲؛ مزامیر ۵: ۳-۱؛ ۵۷: ۸-۹؛ ۵۹: ۱۷-۱۶؛ ۶۳: ۱-۸؛ ۹۰: ۱۴؛ ۹۲: ۱-۲؛ ۱۰۸: ۳-۲؛ ۱۴۳: ۸؛ خروج ۱۶: ۲۱.

۲. خداوند مخفیانه خود را به عنوان ستاره صبح به کسانی که عاشقش هستند و برای او بیدار و منتظر می‌باشند خواهد داد تا آنها بتوانند طراوت حضور او را در بازگشت او پس از یک غیبت طولانی بچشند - ۱ تسالونیکیان ۵: ۶؛ مکاشفه ۲: ۲۸؛ ۳: ۲-۳؛ ۱۶: ۱۵.

ت. ستارگان زنده از روح هفت برابر شدت یافته مسرت می‌برند و پر می‌شوند تا آنها را برای بنای خدا به شدت زنده و به شدت درخشان کند - ۳: ۱؛ ۴: ۵؛ ۵: ۶.

ث. ستارگان زنده، پیام‌آوران کلیساها هستند، کسانی که از مسیح پنوماتیک به عنوان پیام‌آور خدا و به عنوان پیام تازه از خدا مسرت می‌برند و او را تجربه می‌کنند تا بتوانند مسیح تازه و کنونی را به درون مردم خدا برای شهادت عیسی توزیع کنند - ۱: ۱۶، ۲۰؛ ۲: ۱؛ ملاکی ۱: ۳-۳.

ج. ستارگان زنده «فکرهای دل...عظیم» و «مباحثات دل...عظیم» دارند. آنها عاشقان خدا هستند که مثل «ستارگان از منازل خود» می‌باشند تا به همراه خدا علیه دشمن او بجنگند تا «مثل آفتاب / وقتی که در قوتش طلوع می‌کند» باشند و کسانی باشند که «در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد» - داوودان ۵: ۱۵-۱۶، ۲۰، ۳۱؛ دانیال ۱۱: ۳۲؛ متی ۱۳: ۴۳.

چ. ستارگان زنده کسانی هستند که از یهوه می‌ترسند و صدای خادم او را شنیده، به یهوه اعتماد می‌کنند تا در حین راه رفتن در تاریکی، نور داشته باشند - اشعیا ۵۰: ۱۰-۱۱؛ مزامیر ۱۳۹: ۷-۱۲، ۲۳-۲۴: ۱. کسانی که برای خود نور می‌سازند و به جای نور خدا، در نور خودساخته خود راه می‌روند، عذاب خواهند کشید - اشعیا ۵۰: ۱۱.

۲. این باید هشداری برای ما باشد تا در نوری که خدا می‌دهد، نه در نوری که خودمان برای خود می‌سازیم، راه برویم؛ «بیایید تا در نور خداوند سلوک کنیم [راه برویم]» - ۲: ۵.

ح. ستارگان زنده با ستارگانی نماد سازی می‌شوند که در روز چهارم بازسازی خدا با خلقت فراتر او برقرار شدند، [خلقتی] که در آن با درخشیدن خود حکمرانی می‌کنند. جایی که درخشش است، حکمرانی برای رشد حیات هست - پیدایش ۱: ۱۴-۱۹.

۱. درخشش خداوند عیسی بر کوه تبدیل شکل، آمدن پادشاهی در قدرت بود؛ این درخشش در واقع حضور حاکم خدای سه‌یکتا است - متی ۱۷: ۱-۸؛ مرقس ۹: ۱-۸.

۲. پادشاهی خدا به عنوان حکمرانی خدا، سلطنت خدا، با تمام برکات و مسرت‌هایش، درخشیدن خداوند عیسی و گسترش خداوند عیسی توسط درخشیدن بر ماست.

۳. پادشاهی، درخشش واقعیت خداوند عیسی است؛ هرگاه او بر ما می‌درخشد و ما تحت آن درخشش هستیم، در پادشاهی تحت حکمرانی و سلطنت خدا در درون ما برای رشدمان در حیات هستیم.

خ. از جنبه منفی، برخی هستند که «ستارگان آواره [سرگردان]» می‌باشند - یهودا ۱۲-۱۳: ۱. استعاره ستارگان سرگردان نشان می‌دهد که معلمان گمراه، مرتدان، در حقایق تغییرناپذیر مکاشفه آسمانی کاملاً ثابت نبودند، بلکه در میان مردم ستاره‌مانند خدا سرگردان بودند.

۲. مرتدان گمراه امروز ستارگان سرگردان هستند، اما در نهایت در تیرگی تاریک که برای آنها تا ابد نگه داشته شده است، زندانی خواهند شد.
۳. هر که تعلیم ندهد که کلیساهای محلی هدف اقتصاد خدا نیستند بلکه روشی برای رسیدن به هدف واقعیت بدن مسیح هستند، مطابق با نیاز خدمتگزاری خدا در عصر حاضر نیست. هر که ما را از ممزوج شدن کلیساهای برای واقعیت بدن مسیح باز دارد، یک ستاره سرگردان است. ستارگان حقیقی کسانی هستند که بسیاری را به سوی عدالت سوق می‌دهند، کسانی که مردم را گمراه نمی‌کنند، بلکه آنها را به سوی راه راست سوق می‌دهند.
۴. امروز آن ستاره زنده و ستارگان زنده، از ما دور نیستند – آنها در و با کلیساهای محلی به عنوان ابرازهای عملی بدن مسیح هستند (مکاشفه ۱: ۱۱، ۲۰)؛ در میان تمام کلیساهای محلی، تعدادی ستاره زنده وجود دارد؛ ما به سادگی باید با آنها تماس بگیریم و با آنها همراه باشیم؛ آنها ما را به جایی که عیسی در آنجاست، رهبری خواهند کرد.
- د. باشد که خداوند بر ما رحمت داشته باشد تا همیشه در راه درست برای ملاقات با خداوند، پرستش او، و اهدای عشق به او باشیم؛ باشد که خداوند همه ما را مثل مجوسیان بسازد، که از ستاره زنده پیروی می‌کنند تا کشفیات جدیدی از مسیح یافته و انجام دهند تا به عنوان ستارگان زنده، تکثیر او شوند – ر.ک. افسسیان ۵: ۸-۹؛ ارمیا ۱۵: ۱۶آ.

برکت دادن به مردم خدا برای دریافت برکت خدا

«برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، / و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند.» - پیدایش ۱۲: ۳
«مبارک باد هر که تو را برکت دهد. / و ملعون باد هر که تو را لعنت نماید!» - اعداد ۲۴: ۹ ب

مجموعه آثار ویتنس لی، ۱۹۷۸، جلد ۱، «مشارکت با خادمان، جلد اول»، ص. ۲۰۳:

در نظر خداوند، انتقاد از جلسات، شر و ناپاک است. خداوند به شما می‌گفت: «این بدن من است. شما کیستید؟ چه کسی به شما حق داد که برای جلسه کلیسای من، معیاری تعیین کنید؟» به محض اینکه چیزی انتقادی از جلسه بگویید، یگانگی را می‌شکنید. فرض کنید دیگران ایده شما از یک جلسه خوب را دوست ندارند. چه می‌گویید؟ شاید از جلسه خوشم نیاید، ولی جرأت نمی‌کنم چیزی بگویم، چون می‌دانم این باعث تفرقه می‌شود... من کیستم که بگویم جلسه را دوست ندارم؟ باشد که نور رحمت آمیز خداوند بر ما و بر بسیاری از عزیزان بتابد.

مطالعه-حیات خروج، پیام ۷، صص. ۷۸-۸۰:

در اوایل دهه ۱۹۴۰ در یک جلسه دعا در شانگهای اتفاقی افتاد که به من کمک کرد تا مردم خدا را همانطور ببینم که او آنها را می‌بیند. در آن جلسه، یک خواهر همکار باتجربه، که از وضعیت پست کلیسا نگران بود، از طرف کلیسا به خداوند فریاد برآورد. او همانطور که دعا می‌کرد، آه و ناله‌ای از وضع بد کلیسا سر داد. وقتی دعایش تمام شد، برادر نی شروع به ستایش خداوند کرد و از او تشکر کرد که کلیسا هرگز ضعیف یا پست نیست، بلکه همیشه در اوج است. حضار شوکه شدند. سپس برادر نی به ما کمک کرد تا اهمیت نبوت بلعام در مورد فرزندان اسرائیل را بفهمیم. بلعام توسط بالاق استخدام شده بود تا فرزندان اسرائیل را نفرین کند. ولی به جای نفرین کردن مردم خدا، بلعام آنها را برکت داد. بلعام از طرف خدا گفت: «او گناهی در یعقوب ندیده، و خطایی در اسرائیل مشاهده نموده است» (اعداد ۲۳: ۲۱). علاوه بر این، در اعداد ۲۴: ۵ بلعام گفت: «چه زیباست خیمه‌های تو ای یعقوب! / و مسکنهای تو ای اسرائیل!» طبق این آیات، خدا در اسرائیل گناه یا خطایی ندید. در عوض، او فقط نیکویی، انصاف، و زیبایی دید. همین امر امروز در مورد کلیسا صدق می‌کند.

نگویید که کلیسا پست یا مرده است. هر چه بیشتر این را بگویید، بیشتر خود را زیر لعنت قرار می‌دهید. با این حال، اگر خداوند را به خاطر زندگی کلیسای ستایش کنید و در مورد آن به نیکویی سخن گوید، خود را زیر برکت خدا قرار خواهید داد. در تمام سال‌هایی که در زندگی کلیسای بوده‌ام، حتی یک نفر را ندیدم که درباره کلیسا منفی گفته باشد و زیر برکت خدا باشد. برعکس، همه کسانی که گفته‌اند کلیسا فقیر، پست یا مرده است، زیر لعنت بوده‌اند. کسانی که در مورد کلیسا مثبت گفته، اعلام می‌کنند که کلیسا دوست‌داشتنی است و خانه خداست، برکت را دریافت می‌کنند. این صرفاً یک آموزه نیست؛ بلکه شهادتی است که می‌تواند توسط تجارب بسیاری از مقدسان تأیید شود.

گاهی اوقات وقتی از کلیسا ناامید می‌شوم و در مورد آن مثبت فکر نمی‌کنم، خداوند درون به من هشدار می‌دهد که مراقب باشم. بلافاصله، از خداوند می‌خواهم که مرا پاک کند، و شروع به اعلام اینکه کلیسا چقدر شگفت‌انگیز است، می‌کنم. حتی اگر کلیسا برای من مشکل ایجاد کند، هنوز عاشق کلیسا هستم. هر چه بیشتر به این شیوه مثبت سخن بگویم، بیشتر تحت برکت خدا قرار می‌گیرم.

کلام چه کسی در مورد کلیسا درست است، شما یا خداوند؟ در ابدیت، کلام خداوند درست خواهد بود، زیرا در ابدیت، کلیسا شگرف، باشکوه و متعالی خواهد بود. تمام اتهامات دشمن در مورد کلیسا دروغ است. گفتن اینکه کلیسا فقیر یا مرده است، یک دروغ ابلیسی است. وضعیت ظاهری کلیسا، دروغ است. گفتن اینکه کلیسا سرد یا مرده یا پست است، دروغ است. کلیسا رفعت-یافته و بسیار زنده است. من از کلام قوی برادر نی در مورد نبوت بلعام سپاسگزارم. آن کلام، نظر من را در مورد وضع فعلی کلیسا کاملاً تغییر داد. از وقتی که آن کلام را دریافت کردم، کلیسا را در نوری کاملاً متفاوت دیده‌ام.

عمیق‌تر از آنچه خداوند می‌بیند، نبینید. طبق کلام بلعام در اعداد، خداوند در یعقوب گناهی ندید. پس شما چگونه می‌توانید آن را ببینید؟ آیا شما از خدا حکیم‌تر یا نکته‌بین‌تر هستید؟ کتاب مقدس اعلام می‌کند که خداوند خطایی در اسرائیل نمی‌بیند. اما شما ادعا می‌کنید که در کلیسا خطا می‌بینید. کدام را انتخاب می‌کنید که باور کنید، دید خداوند یا دید خودتان؟ اگر ما با ارزیابی خداوند از کلیسا بایستیم، از افتادن از برکت به لعنت حفظ خواهیم شد. باشد که همه ما مراقب باشیم که چگونه به کلیسا رسیدگی می‌کنیم.

مسیح به عنوان طبیب و داماد

خواندن متون مقدس: متی ۹: ۱۰-۱۳، ۱۵؛ مکاشفه ۱۹: ۷-۹

۱. انجیل متی آشکار می‌کند که مسیح در مقابل دین و مذهب است و امور مربوط به مسیح خارج از دین و مذهب هستند:

- آ. تولد مسیح، یافتن مسیح، توصیه کردن مسیح، و پیروی از مسیح همه خارج از دین بودند – ۱: ۲۳-۱۸؛ ۲: ۱-۱۲؛ ۳: ۱-۱۲؛ ۴: ۱۲-۱۲.
- ب. هرگونه فکر انجام کارها به طور معجزه‌آسا در دین، و سوسه شیطان است – آ. ۵-۷.
- پ. به عنوان طبیب و داماد، مسیح در مقابل دین است – ۹: ۱۲، ۱۵.
- ت. خداوند عیسی به سنت دینی و مذهبی اهمیت نمی‌دهد؛ او به واقعیت درونی اهمیت می‌دهد – ۱۵: ۲۰-۱.

۲. متی ۹: ۱۳-۱۰ نشان می‌دهد که ما می‌توانیم مسیح را به عنوان طبیب تجربه کنیم و از او مسرت ببریم:

- آ. خداوند عیسی در خواندن مردم به پیروی از خود برای پادشاهی، به عنوان یک طبیب خدمت کرد، نه یک داور.
- ب. داوری یک داور بر طبق عدالت است، در حالی که شفای یک طبیب بر طبق رحمت و فیض است.
- پ. مسیح آمد تا به عنوان یک طبیب خدمتگزاری کند، تا ما را شفا دهد، بازیابی کند، زنده کند و نجات دهد تا بازساخت شویم تا بتوانیم شهروندان جدید و آسمانی او باشیم، که او با آنها پادشاهی آسمانی خود را بر روی این زمین فاسد برقرار می‌کند.
- ت. «لکن رفته، این را دریافت کنید که "رحمت می‌خواهم نه قربانی"» – آ. ۱۳:
 - ۱. خداوند عیسی بیماری روحانی ما، یعنی بیماری گناه را شفا می‌دهد.
 - ۲. بین گناه و مرگ انواع بیماری‌ها، امراض و ضعف‌ها وجود دارد.
 - ۳. خداوند عیسی گناهان ما را می‌بخشد و همچنین ما را از هر نظر شفا می‌دهد.
 - ۴. ما به عنوان گناهکاران، مطلقاً بیمار هستیم، زیرا از نظر فیزیکی، روحی، اخلاقی و ذهنی بیمار هستیم، ولی عیسی، آن بخشنده و طبیب، قادر است تمام بیماری‌های ما را شفا دهد.
 - ۵. خداوند به عنوان طبیب ما، ما را عمدتاً در روح و روانمان شفا می‌دهد، نه در بدنمان به طور عمده.
 - ۶. اگرچه خداوند ممکن است ما را در بدنمان شفا دهد یا ندهد، ولی او همیشه آماده است تا ما را در هر بخش از روح و روانمان شفا دهد.
 - ۷. شفای خداوند به عنوان طبیب ما عمدتاً فیزیکی نیست، بلکه روحانی است. او آن که بیماری‌های روحانی ما را شفا می‌دهد است.
 - ث. تجربه پولس در دوران پایانی خدمتگزاری‌اش به ما کمک می‌کند تا قدردانی مناسبی از مسیح به عنوان طبیب ایمانداران داشته باشیم:
 - ۱. در ۲ تیموتائوس ۴: ۲۰ ب، پولس می‌گوید: «ترقیموس را در میلیتس بیمار واگذاردم.»
 - ۲. پولس رسول چنین فرد صمیمی را در بیماری رها کرد، بدون اینکه برایش دعای شفا کند.
 - ۳. پولس همچنین عطیه شفا بخش خود (اعمال ۱۹: ۱۱-۱۲) را برای درمان بیماری معده تیموتائوس به کار نگرفت؛ بلکه او را بر آن داشت که از راه طبیعی برای شفا استفاده کند (۱ تیموتائوس ۵: ۲۳).
 - ۴. پولس تیموتائوس را تشویق کرد که کمی شراب بنوشد، و ترقیموس را در میلیتس واگذاشت.

۵. پولس به طریقی بسیار انسانی از همکارانش مراقبت می‌کرد.
۶. دلیل اینکه پولس به این طریق از آنها مراقبت کرد این است که در زمان رنج، پولس و همکارانش تحت انضباط حیات درونی بودند، نه تحت قدرت عطیۀ بیرونی.
۷. اولی، از فیض در حیات است؛ دومی، از عطیه در قدرت است – قدرت معجزه‌آسا.
۸. تجربۀ پولس باید به ما کمک کند ببینیم که امروزه، عمدتاً شفای مسیح، برای روح و روان است.
۹. اگر این بینش را ببینیم، به مسیح اعتماد خواهیم کرد و او را به عنوان طبیب خود تجربه خواهیم نمود.
- ج. مسیح به عنوان طبیب ما، اقتدار شفا دارد:
 ۱. شفای او به سادگی به قدرت مربوط نمی‌شود، بلکه به اقتدار نیز مربوط است.
 ۲. نیازی برای او نیست که مستقیماً ما را لمس کند تا ما را شفا دهد.
 ۳. او فقط باید یک کلمه بگوید، و اقتدار او با کلامش برای شفای ما می‌آید – متی ۸: ۸.
 ۴. طبیب ما با اقتدارش ما را شفا می‌دهد.
۳. در متی و مکاشفه، مسیح به عنوان داماد آشکار می‌شود – متی ۹: ۱۵؛ مکاشفه ۱۹: ۷-۹:
 - آ. متی ۲۵: ۱ کلامی فراتر در مورد خداوند عیسی به عنوان داماد است:
 ۱. این آیه آشکار می‌کند که خداوند به عنوان داماد، به عنوان خوشایندترین و جذاب‌ترین شخص، باز خواهد گشت.
 ۲. کتاب مقدس آشکار می‌کند که مسیح، خداست که برای داشتن عروس، تجسم یافته است.
 ۳. بنابراین، مقام مسیح، مقام داماد است.
 ۴. او به عنوان داماد، شخصی خوشایند برای مسرت ماست.
 ۵. ما باید از مسیح نه تنها به عنوان طبیب خود برای بازیابی حیات، بلکه به عنوان داماد خود برای مسرت زنده در حضور او نیز قدردانی کنیم.
 - ب. مکاشفه ۱۹: ۷-۹ مسیح را به عنوان داماد فاش می‌کند:
 ۱. این آیات آشکار می‌کنند که خداوند عیسی، آن بره به عنوان داماد است.
 ۲. مسیح هم به عنوان بره و هم به عنوان داماد ارائه شده است.
 ۳. در انجیل یوحنا، مسیح هم به عنوان آن بره که برای برداشتن گناه آمد و هم به عنوان آن داماد که آمد تا عروس را داشته باشد، آشکار شده است.
 ۴. بره برای بازخرید است، و داماد برای عروسی.
 ۵. بازخرید توسط مسیح به عنوان بره خدا به انجام رسید، و عروسی وقتی رخ خواهد داد که مسیح به عنوان داماد آینده، عروس خود را ببرد.
 ۶. به عنوان داماد، مسیح باید یک عروسی داشته باشد؛ جایگاه ما [جایگاه] عروس است، و جایگاه مسیح آینده [جایگاه] داماد است.
 ۷. ما بر روی زمین در حال آماده شدن هستیم تا آن عروس جهت ملاقات او شویم، و او بر تخت در آسمان سوم آماده است تا به عنوان داماد برای ملاقات ما بیاید.
 ۸. او به عنوان داماد می‌آید، و ما به عنوان عروس می‌رویم – متی ۲۵: ۱.

عیسی - نام پادشاه-منجی که توسط خدا داده شد

و

عمانوئیل - نام پادشاه-منجی که توسط انسان خوانده شد

خواندن متون مقدس: متی ۱: ۲۱، ۲۳؛ ۱۸: ۲۰؛ ۲۸: ۲۰

۱. «او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید» - متی ۱: ۲۱:

آ. «عیسی» معادل یونانی نام عبری «یوشع» است که به معنای «یهوه نجات‌دهنده» یا «نجات یهوه» است؛ عیسی، یهوه است که نجات‌دهنده و نجات ما می‌شود - رومیان ۱۰: ۱۲-۱۳؛ ۵: ۱۰؛ ر.ک. فیلیپیان ۱: ۱۹.

ب. نام عیسی شامل نام یهوه است، که یعنی «هستم آن که هستم»، که نشان می‌دهد یهوه، آن جاودان خود-موجود و همیشه-موجود می‌باشد، آن که در گذشته بود، در حال حاضر هست، و در آینده برای همیشه خواهد بود - خروج ۳: ۱۴؛ مکاشفه ۱: ۴:

۱. تنها یهوه هست، و او به هیچ چیز غیر از خودش وابسته نیست؛ ما باید روح ایمان خود را تمرین دهیم تا باور کنیم که «او هست» و ما «نیستیم»؛ در همه چیز، تنها او هست، آن منحصر به فرد، و ما هیچ نیستیم - عبرانیان ۱۱: ۶.

۲. به عنوان «هستم»، او آن شامل تمام است، واقعیت هر چیز مثبت و هر آنچه مردمش نیاز دارند - یوحنا ۶: ۳۵؛ ۸: ۱۲؛ ۱۰: ۱۴؛ ۱۱: ۲۵؛ ۱۴: ۶.

۳. می‌توانیم بگوییم که ما ایمانداران یک چک امضا شده داریم با جای خالی برای مبلغ، و می‌توانیم آنجا را با هر آنچه نیاز داریم پر کنیم؛ هر آنچه نیاز داریم، مثل نور، حیات، قدرت، حکمت، قدوسیت، یا عدالت، عیسی است؛ همه چیزهای مورد نیازمان، در نام عیسی یافت می‌شود.

پ. عیسی یوشع ما است، آن که ما را به استراحت می‌رساند، که خود او به عنوان سرزمین نیکو برای ماست - عبرانیان ۴: ۸؛ متی ۱۱: ۲۸-۲۹.

ت. نام خداوند، شخص او، روح مرکب شامل تمام است - غزل غزلها ۱: ۳؛ خروج ۳۰: ۲۳-۳۰؛ فیلیپیان ۱: ۱۹.

ث. نام عیسی بالاتر از هر نامی است - ۲: ۹-۱۰:

۱. نام عیسی برای ما است تا در آن ایمان آوریم - یوحنا ۱: ۱۲.

۲. نام عیسی برای ما است تا در آن تعمید یابیم - اعمال ۸: ۱۶؛ ۱۹: ۵.

۳. نام عیسی برای ما است تا نجات یابیم - ۴: ۱۲.

۴. نام عیسی برای ما است تا شفا یابیم - ۳: ۴؛ ۶: ۱۰.

۵. نام عیسی برای ما است تا شسته، تقدیس، و عادل شمرده شویم - ۱ قرنیتان ۶: ۱۱.

۶. نام عیسی برای ما است تا او را بخوانیم - رومیان ۱۰: ۱۳؛ ۱ قرنیتان ۱: ۲؛ اعمال ۹: ۱۴؛ پیدایش ۴: ۲۶.

۷. آن روح، هوای آسمانی برای تنفس ما است؛ با تمرین دادن روحمان جهت خواندن نام خداوند، آن روح را استنشاق می‌کنیم و بدینگونه آن روح را دریافت می‌نماییم - یوحنا ۲۰: ۲۲؛ غلاطیان ۳: ۲؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ مرثی ۳: ۵۵-۵۶؛ سرود ۲۵۵.

ج. مقصود از خواندن نام خداوند این است:

۱. برای نجات یافتن - رومیان ۱۰: ۱۳.

۲. برای رهایی یافتن از تنگی، مشکل، غم و درد - مزامیر ۱۸: ۶؛ ۱۱۸: ۵؛ ۸۶: ۷؛ ۵۰: ۱۵؛ ۸۱: ۷؛ ۱۱۶: ۳-۴.

۳. برای شرکت کردن در محبت و رحمت خداوند - ۸۶: ۵.
۴. برای برخوردار شدن از نجات خداوند - ۱۱۶: ۲، ۴، ۱۳، ۱۷.
۵. برای دریافت روح - اعمال ۲: ۱۷، ۲۱.
۶. برای نوشیدن آب روحانی و خوردن غذای روحانی جهت رضایت - اشعیا ۵۵: ۱-۲، ۶.
۷. برای مسرت بردن از غنای خداوند - رومیان ۱۰: ۱۲؛ ۱ قرنیتان ۱۲: ۳؛ تثنیه ۴: ۷؛ مزامیر ۱۴۵: ۱۸.
۸. برای برانگیختن خود - اشعیا ۶۴: ۷.
۹. نام عیسی برای ما است تا در آن دعا کنیم - یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱۶: ۲۴.
۱۰. نام عیسی برای ما است تا در آن گرد هم آییم - متی ۱۸: ۲۰.
۱۱. نام عیسی برای ما است تا دیوها را بیرون رانیم - اعمال ۱۶: ۱۸.
۱۲. نام عیسی برای ما است تا با شهامت در آن سخن گوئیم - ۲۷: ۹.
- چ. شیطان از نام عیسی متنفر است:
 ۱. شیطان از مردم برای حمله به نام عیسی استفاده می کند - ر.ک. ۲۶: ۹.
 ۲. مذهبیهون به نام عیسی حمله کرده، ایمانداران را از بشارت یا تعلیم دادن در آن نام منع کردند - ۴: ۱۸-۱۷؛ ۵: ۴۰.
 ۳. وقتی که رسولان مورد آزار قرار گرفتند، شادی کردند که شایسته بی احترامی به خاطر نام عیسی شمرده شده بودند - آ. ۴۱؛ ۱۵: ۲۶.
- ح. خداوند عیسی غلبه کنندگان در فیلاذلفیه را ستود زیرا نام او را انکار نکردند - مکاشفه ۳: ۸:
 ۱. کلیسای بازیابی شده، تمام نام‌ها غیر از نام خداوند عیسی مسیح را ترک کرده، به طور مطلق از آن اوست.
 ۲. نام‌گذاری کلیسا با گرفتن هر نامی غیر از نام خداوند، زنای روحانی است. کلیسا، به عنوان باکره‌ای پاکدامن [خالص] که به مسیح نامزد شده است (۲ قرنیتان ۱۱: ۲)، نباید نامی غیر از نام شوهرش داشته باشد.
۲. «اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند (که تفسیرش این است: خدا با ما)» - متی ۱: ۲۳:
 - آ. عیسی، نام پادشاه-منجی بود که خدا به او داد، در حالی که عمانوئیل، نام پادشاه-منجی بود که توسط انسان خوانده شد - آ. ۲۳.
 - ب. متی کتابی است درباره عمانوئیل - خدا که مجسم شد تا با ما باشد - آ. ۲۱-۲۳.
 - پ. عمانوئیل شامل تمام است - فیلیپیان ۱: ۱۹:
 ۱. او اول منجی ما (لوقا ۲: ۱۱)، سپس بازخیریدکننده ما (یوحنا ۱: ۲۹؛ رومیان ۳: ۲۴)، سپس حیات‌بخش ما (۱ قرنیتان ۱۵: ۴۵) و سپس روح شامل تمام و ساکن در درون است (یوحنا ۱۴: ۲۰-۱۶؛ رومیان ۸: ۹-۱۱).
 ۲. در واقع، محتوای کل عهد جدید، یک عمانوئیل است (متی ۱: ۲۳؛ ۱۸: ۲۰؛ ۲۰: ۲۸؛ ۲۱: ۳) و همه ایمانداران به مسیح، به عنوان اعضای مسیح، بخشی از این عمانوئیل بزرگ، مسیح جمعی، هستند (۱ قرنیتان ۱۲: ۱۲؛ کولسیان ۳: ۱۰-۱۱).
 - ت. عمانوئیل عملی، روح واقعیت به عنوان حضور خدای سه‌یکتای تکمیل شده در روح ما است؛ حضور او همیشه با ما در روحمان است، نه تنها روز به روز، بلکه لحظه به لحظه - یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱۶-۲۰؛ ۱ قرنیتان ۱۵: ۴۵؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲:
 ۱. او در جمع‌های ما با ماست - متی ۱۸: ۲۰.
 ۲. او همه روزها با ماست - ۲۸: ۲۰.
 ۳. او در روح ما با ماست - ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲.

- (آ) امروز روح ما، سرزمین عمانوئیل است - اشعیا ۸: ۷-۸.
- (ب) چون خدا با ماست، دشمن هرگز نمی‌تواند سرزمین عمانوئیل را تصاحب کند - آ. ۱۰؛ ر. ک. ۱ یوحنا ۵: ۴؛ یوحنا ۳: ۶.
۴. ما می‌توانیم از حضور خدای سه‌یکتا در گردهمایی‌هایمان برای تعلیم کلام مقدس او مسرت ببریم - متی ۱۸: ۲۰؛ ۲۸: ۲۰؛ مزامیر ۱۱۹: ۳۰؛ اعمال ۶: ۴.
۵. ما از فیض و آرامش، از طریق روح به عنوان حضور خدای سه‌یکتا، مسرت می‌بریم - غلاطیان ۶: ۱۸؛ اعمال ۹: ۳۱.
۶. رهبری و شهادت دادن آن روح، حضور اوست - رومیان ۸: ۱۴، ۱۶.
۷. ما از توزیع خدای سه‌یکتا، از طریق حضورش به عنوان روح، مسرت می‌بریم - ۲ قرنتیان ۱۳: ۱۴.
- ث. برای زندگی با مسیح به عنوان عمانوئیل، باید در حضور الهی او باشیم، که روح حیات‌بخش به عنوان تکمیل خدای سه‌یکتا است - غلاطیان ۵: ۲۵:
۱. برای زندگی با مسیح، ما هنوز زندگی می‌کنیم، ولی نه توسط خودمان به تنهایی، بلکه توسط مسیح که در ما و با ما به عنوان عمانوئیل زندگی می‌کند. خدای سه‌یکتا نمی‌تواند قصدش را برای توزیع خود در وجود ما، خارج از ما به کمال برساند؛ بنابراین، بودن او با ما باید درونی باشد - ۲: ۲۰.
۲. عمانوئیل، حیات و شخص ما است، و ما عضو او هستیم که به عنوان یک شخص با او زندگی می‌کنیم؛ پیروزی ما به عمانوئیل، حضور عیسی، بستگی دارد.
۳. اگر حضور خداوند را داشته باشیم، حکمت، بصیرت، دوراندیشی و شناخت درونی در مورد چیزها را داریم؛ حضور خداوند برای ما همه چیز است - ۲ قرنتیان ۲: ۱۰؛ ۴: ۶-۷؛ غلاطیان ۵: ۲۵؛ پیدایش ۵: ۲۲-۲۴؛ عبرانیان ۱۱: ۵-۶.
- ج. اگر می‌خواهیم وارد مسیح شامل تمام به عنوان واقعیت سرزمین نیکو شده، او را تصرف کنیم و از او مسرت ببریم، باید این کار را توسط حضور خداوند انجام دهیم؛ خداوند به موسی وعده داد: «روى [حضور] من خواهد آمد و تو را آرامی خواهم بخشید» (خروج ۳۳: ۱۴)؛ حضور خدا، راه اوست، [یعنی] آن «نقشه» که به مردمش راهی را نشان می‌دهد که باید در پیش بگیرند:
۱. برای اینکه مسیح را به عنوان سرزمین شامل تمام برای بنای خدا به طور کامل کسب و تصرف کنیم، باید به این اصل پایبند باشیم که حضور خدا معیار هر امری است؛ صرف نظر از آنچه انجام می‌دهیم، باید توجه کنیم که آیا حضور خدا را داریم یا نه؛ اگر حضور خدا را داشته باشیم، همه چیز را داریم، ولی اگر حضور خدا را از دست بدهیم، همه چیز را از دست می‌دهیم - متی ۱: ۲۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ غلاطیان ۶: ۱۸؛ مزامیر ۲۷: ۴، ۸؛ ۵۱: ۱۱.
۲. حضور خداوند، لبخند خداوند، اصل حاکم است؛ ما باید یاد بگیریم که توسط حضور مستقیم و دست اول خداوند حفظ، حکمرانی، فرمانروایی و هدایت شویم - ۲۷: ۸؛ ۸: ۱۷، ۷، ۱۹-۱۷.
۳. یوسف به عنوان نماینده جنبه سلطنت‌کننده یک حیات بالغ، از حضور خداوند، و به همراه آن از اقتدار، سعادت، و برکت خداوند مسرت می‌برد - پیدایش ۳۹: ۲-۵، ۲۱؛ اعمال ۷: ۹.
۴. موسی شخصی بسیار نزدیک به قلب خدا و بر طبق قلب خدا بود؛ از این جهت، او حضور خدا را - به طور کامل داشت - خروج ۳۳: ۱۱.
۵. پولس رسول کسی بود که در حضور مسیح مطابق با شاخص کل شخص او [مسیح] که در چشمانش [مسیح] ابراز می‌شد، زندگی و عمل می‌کرد - ۲ قرنتیان ۲: ۱۰.
۶. «در جوانی راه‌های گوناگون برای غلبه، پیروزمندی، مقدس بودن و روحانی بودن به من آموخته شد. با این حال، هیچ یک از این راه‌ها کارساز نبود... هیچ چیز بجز حضور خداوند کارساز نیست. بودن او با ما همه چیز است».

چ. تمامی عهد جدید، یک عمانوئیل است و ما اکنون بخشی از این عمانوئیل بزرگ هستیم که در اورشلیم نو در آسمان نو و زمین نو برای ابد تکمیل خواهد شد. عهد جدید با یک خدا-انسان آغاز می‌شود که «خدا با ما» است، و با یک خدا-انسان بزرگ، اورشلیم نو، که «یهوه آنجاست» می‌باشد پایان می‌یابد – متی ۱: ۲۳؛ ۱ قرن‌تیا ۶: ۱۷؛ اعمال ۹: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۶؛ مکاشفه ۲۱: ۳، ۲۲؛ حزقیال ۴۸: ۳۵.

مسیح به عنوان مرکز خدای سه یکتای فرآیند شده

خواندن متون مقدس: متى ۲۸: ۱۹؛ ۱ قرنئیان ۱۵: ۴۵؛ ۲ قرنئیان ۳: ۱۷؛ ۱۳: ۱۴

۱. واضح ترین مکاشفه تثلیث الهی، در متى ۲۸: ۱۹ است: «پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به [در] اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید»:

آ. «به [در] اسم» حاکی از شخص است:

۱. تعمید یافتن، به معنای تعمید یافتن در نام، شخص پدر، پسر، و روح القدس، در اتحاد ارگانیک با خدای سه یکتای فرآیند شده است.

۲. کلمه «به [در]» در ۲۸: ۱۹ نشانگر اتحاد است، همانطور که در رومیان ۶: ۳، غلاطیان ۳: ۲۷ و ۱ قرنئیان ۱۲: ۱۳ آمده است.

۳. تعمید دادن مردم در نام خدای سه یکتا، تعمید آنها در اتحاد روحانی و اسرارآمیز با اوست.

۴. در متى ۲۸: ۱۹ یک نام برای تثلیث الهی وجود دارد:

(آ) آن نام، مجموع وجود الهی است که معادل شخص اوست.

(ب) تعمید دادن ایمانداران در نام خدای سه یکتا، غوطه ور کردن آنها در تمام آنچه خدای

سه یکتا است، می باشد.

ب. خدا، سه-در-یک است - ۲ قرنئیان ۱۳: ۱۴:

۱. در متى ۲۸: ۱۹، خداوند از سه شخص سخن گفت - پدر، پسر، و روح القدس.

۲. وقتی او در اینجا از نام پدر، پسر، و روح القدس گفت، «اسم» در متن اصلی مفرد است.

۳. این یعنی پدر، پسر، و روح، سه هستند، اما نام یک است.

۴. یک نام برای سه شخص، واقعاً رازگونه است و آشکار می کند که خدا سه-در-یک است.

۵. این نام شامل آن سه است - پدر، پسر، و روح القدس.

۶. اگرچه خدا منحصرأ یک است، اما سه شخص وجود دارد - پدر، پسر، و روح.

۲. ما به عنوان ایمانداران به مسیح، به درون خدای سه یکتای فرآیند شده تعمید یافته ایم:

آ. دستوری که در متى ۲۸: ۱۹ داده شد توسط خداوند عیسی پس از ورود او به رستاخیز، که تکمیل فرآیند خدای سه یکتا بود، داده شد.

ب. خدای سه یکتا از فرآیندی عبور کرده است که با مجسم شدن آغاز شد، شامل زندگی انسانی و مصلوب شدن بود، و با رستاخیز تکمیل شد.

پ. در رستاخیز، مسیح، تجسم خدای سه یکتا، روح حیات بخش شد - ۱ قرنئیان ۱۵: ۴۵؛ ۲ قرنئیان ۳: ۱۷.

ت. این روح، تکمیل خدای سه یکتا برای ایمانداران است تا به درون تثلیث الهی تعمید یابند.

ث. تعمید یافتن به درون شخص خدای سه یکتا، تعمید یافتن به درون روح شامل تمام و کامل است که تکمیل نهایی خدای سه یکتاست:

۱. این به معنای تعمید یافتن در غنای پدر، در غنای پسر، و در غنای روح است.

۲. به عنوان تعمید یافتگان، ما اکنون در یک اتحاد ارگانیک با خدای سه یکتا هستیم؛ بنابراین، هر آنچه پدر دارد، هر آنچه پسر دارد، و هر آنچه روح دارد، از آن ما شده است.

ج. تعمید یافتن در نام خدای سه یکتا، قرار گرفتن در یک اتحاد اسرارآمیز با او و تصاحب هر آنچه خدا هست در وجود ما است.

۳. مسیح، مرکز خدای سه یکتای فرآیند شده است - ۲ قرنئیان ۱۳: ۱۴:

آ. «فرآیند شده» به مراحل بسیار مهمی اشاره دارد که خدای سه یکتا از آنها عبور کرده است:

۱. قبل از مجسم شدن او، خدا فرآیند نشده بود، و طبیعت الهی داشت اما طبیعت انسانی نداشت، ولی از طریق مجسم شدن، زندگی انسانی، مصلوب شدن، رستائیز، و صعود، خدای سه یکتا، فرآیند و تکمیل شد.
۲. در مکشفه، خدای سه یکتا، خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده با الهیت، انسانیت، زندگی انسانی، مرگ شامل تمام، رستائیز قدرتمند، و صعود متعال است - ۱: ۴-۵.
- ب. خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده، آن روح است - ۲۲: ۱۷؛ یوحنا ۷: ۳۹؛ ۱: ۱۰؛ ۲۰: ۲۰؛ لوقا ۱: ۳۵؛ ۴: ۱۸؛ رومیان ۸: ۹؛ غلاطیان ۴: ۶.
۱. آن روح، تمامیت، مجموع، تمام عناصر عناوین روح خداست - متی ۳: ۱۶؛ ۱۰: ۲۰؛ لوقا ۲: به عنوان تکمیل خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده، آن روح، برکت اقتصاد عهد جدید خداست - ۳: ۱۴.
- پ. خدای سه یکتا در مکشفه، خدای بنا کننده و بنا شده است - ۲۱: ۱۸-۱۹، ۲۱: ۲۱.
۱. کتاب مقدس در اورشلیم نو تکمیل می شود، که همان خدایی است که در آغاز بود - پیدایش ۱: ۱؛ مکشفه ۲۱: ۱۰.
- (آ) خدای منحصر به فرد، عاقبت برای ابراز جاودان خود، به صورت یک شهر گسترش و توسعه می یابد.
- (ب) خدا در اقتصادش، اورشلیم نو شده است - آ. ۱۰.
- (پ) در اورشلیم نو، خدای سه یکتا در مردم برگزیده و بازخرید شده خود نهاده می شود - آ. ۱۸-۱۹، ۲۱: ۲۱.
۲. خدا که اورشلیم نو شده است، خدای بنا کننده و بنا شده است - ۲ سموئیل ۷: ۱۲، ۱۴؛ متی ۱۶: ۱۸؛ افسسیان ۳: ۱۷.
- (آ) خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده به عنوان منشأ، عنصر، و جوهر، با بنا کردن خود در وجود ما، کلیسا را بنا می کند - آ. ۱۷.
- (ب) خدا در حال برآوردن آرزویش برای بنا کردن خود در مسیح به درون وجود ما و بنا کردن ما به درون وجود خود است. در نهایت، نتیجه این بنا ساختن، اورشلیم نو خواهد بود - مکشفه ۲۱: ۲، ۱۰.
- ت. در کتاب مکشفه، ما تکمیل مکشفه تثلیث الهی را برای توزیع الهی داریم - ۲۲: ۱-۲؛ ۷: ۱۷؛ ۲۱: ۶؛ یوحنا ۴: ۱۴؛ ب.
۱. توزیع الهی، خداست که خود را در مردم برگزیده و بازخرید شده اش به عنوان حیات، تأمین حیات و همه چیز آنها افاضه می کند - ۲ قرنیتان ۱۳: ۱۴.
۲. در توزیع الهی، پدر، سرچشمه است، پسر، چشمه است، و روح، جریان است.

مسیح به عنوان آن که به ما استراحت می‌دهد

خواندن متون مقدس: پیدایش ۱: ۲۶، ۳۱-۲: ۲؛ متی ۱۱: ۲۸-۳۰؛ خروج ۳۱: ۱۲-۱۷

۱. «بیاید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی [استراحت] خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی [استراحت] خواهید یافت؛ زیرا یوغ من خفیف [آسان] است و بار من سبک» - متی ۱۱: ۲۸-۳۰:

آ. مشقت کشیدن اینجا نه تنها به مشقت تلاش برای حفظ فرامین قانون و مقررات دینی و مذهبی است، بلکه مشقت تلاش برای موفقیت در هر کاری نیز می باشد. هر که بدین گونه مشقت می کشد، همیشه بار [قلبی] سنگینی دارد.

ب. پس از اینکه خداوند پدر را ستود، راه پدر را تصدیق کرده و اقتصاد الهی را اعلام نمود (آ. ۲۵-۲۷)، این نوع افراد را خواند تا برای استراحت نزد او بیایند.

پ. استراحت نه تنها به رهایی از مشقت و بار تحت قانون یا دین و مذهب یا تحت هر کار یا مسئولیتی اشاره دارد، بلکه به آرامش کامل و رضایت تام نیز اشاره دارد.

ت. برگرفتن یوغ خداوند، برگرفتن اراده پدر است؛ این، تنظیم یا کنترل شدن توسط هیچ تعهدی از قانون یا دین و مذهب یا برده شدن توسط هیچ کاری نیست، بلکه فروگرفته شدن توسط اراده پدر است.

ث. خداوند چنین زندگی ای زیست و به هیچ چیز بجز اراده پدرش اهمیت نمی داد (یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸)؛ او خود را کاملاً تسلیم اراده پدر کرد (متی ۲۶: ۳۹، ۴۲)؛ از این جهت، از ما می خواهد که از او بیاموزیم:

۱. ایمانداران با برگرفتن یوغ او - اراده خدا - و مشقت کشیدن برای اقتصاد خدا - مطابق الگوی او، خداوند را در روحشان کپی می کنند - ۱۱: ۲۹؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱.

۲. خداوند، که سرتاسر زندگی خود تسلیم و مطیع پدر بود، حیات تسلیم و اطاعت خود را به ما داده است - فیلیپیان ۲: ۵-۱۱؛ عبرانیان ۵: ۷-۹.

۳. مسیح، اولین خدا-انسان بود، و ما، خدا-انسانهای بسیاریم. ما باید از او، در تسلیم مطلق او به خدا و نهایت رضایت او از خدا، بیاموزیم.

۴. خدا در ما از طریق عیسی مسیح کاری که از نظر او خوشایند است می کند، تا قادر به انجام اراده او باشیم (۱۳: ۲۰-۲۱)؛ خدا در ما هم اراده و هم عمل را برای خشنودی خود ایجاد می کند (فیلیپیان ۲: ۱۳).

ج. حلیم یا ملایم بودن به معنای مقاومت نکردن در برابر مخالفت است، و افتاده بودن به معنای نداشتن عزت نفس است. خداوند در تمام مخالفت ها حلیم بود، و در تمام طرد شدن ها افتاده دل بود.

چ. او خود را کاملاً تسلیم اراده پدرش کرده، نه می خواست کاری برای خود انجام دهد و نه انتظار داشت چیزی برای خود کسب کند. از این جهت، صرف نظر از وضعیت، او در دلش استراحت داشت. او کاملاً از اراده پدر راضی بود.

ح. استراحتی که ما با برگرفتن یوغ خداوند و آموختن از او می یابیم، برای روان های [جان های] ماست؛ این استراحتی درونی است؛ این چیزی صرفاً بیرونی در طبیعت نیست.

خ. ما از خداوند بر طبق سرمشق او می آموزیم، نه با حیات طبیعی خود، بلکه توسط او به عنوان حیاطمان در رستخیز - افسسیان ۴: ۲۰-۲۱؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱.

د. یوغ خداوند، اراده پدر است، و بار قلبی او، کار انجام اراده پدر است؛ چنین یوغی آسان است، نه تلخ، و چنین باری سبک است، نه سنگین.

ذ. کلمه یونانی برای «خفیف [آسان]» به معنای «مناسب برای استفاده» است؛ از این جهت، نیکو، مهربان، خفیف، ملایم، آسان، خوشایند - در تضاد با سخت، خشن، تیز، تلخ.

ر. اگر یوغ خداوند (اراده پدر) را بر خود بگیریم و از او بیاموزیم، برای روان‌های خود استراحت خواهیم یافت. یوغ اقتصاد خدا اینگونه است؛ همه چیز در اقتصاد خدا، بار سنگین نیست، بلکه مسرت است.

۲. در خروج ۳۱: ۱۲-۱۷، پس از حکایت مفصلی در مورد بناسازی محل سکونت خدا، تکرار فرمان حفظ شَبَات [سَبَت] آمده است؛ طبق کولسیان ۲: ۱۶-۱۷، مسیح واقعیت استراحت شَبَات است؛ او کمال، استراحت، آرامی و رضایت کامل ماست - عبرانیان ۴: ۷-۹؛ اشعیا ۳۰: ۱۵: آ.

آ. این امر مسلم که مورد شَبَات پس از دستور کار بنای مسکن درج شده است، نشان می‌دهد که خداوند به بنا کنندگان، [یعنی] کارگران، می‌گفت که یاد بگیرند چگونه با او استراحت کنند، همانطور که برای او کار می‌کنند.

ب. اگر ما فقط بدانیم چگونه برای خداوند کار کنیم ولی ندانیم چگونه با او استراحت کنیم، برخلاف اصل الهی عمل می‌کنیم:

۱. خدا در روز هفتم استراحت کرد زیرا کار خود را تمام کرده و راضی بود؛ جلال خدا ظاهر شد زیرا انسان صورت او را داشت، و اقتدار او در شرف اعمال برای مطیع کردن دشمنش، شیطان، بود؛ تا وقتی که انسان خدا را ابراز می‌کند و به دشمن خدا رسیدگی می‌نماید، خدا راضی است و می‌تواند استراحت کند - پیدایش ۱: ۲۶، ۳۱-۲: ۲.

۲. بعدها، روز هفتم به عنوان شَبَات نگاه داشته شد (خروج ۲۰: ۸-۱۱)؛ روز هفتم خدا، روز اول انسان بود.

۳. خدا همه چیز را برای مسرت انسان آماده کرده بود؛ پس از آفریده شدن انسان، او به کار خدا نپیوست؛ او وارد استراحت خدا شد.

۴. انسان، اول نه برای کار کردن، بلکه برای رضایت از خدا و استراحت با خدا آفریده شد (متی ۱۱: ۲۸-۳۰)؛ شَبَات برای انسان ساخته شد، نه انسان برای شَبَات (مرقس ۲: ۲۷).

پ. خروج ۳۱: ۱۷ می‌گوید: «در شش روز، خداوند آسمان و زمین را ساخت و در روز هفتمین آرام [استراحت] فرموده و استراحت [طراوت] یافت»:

۱. شَبَات نه تنها برای خدا استراحت بود، بلکه برای او طراوت‌بخش نیز بود.

۲. خدا پس از اتمام کار خلقتش استراحت کرد؛ او به کار دست خود، به آسمان‌ها، زمین و همه موجودات زنده، به ویژه به انسان، نگاه کرد و گفت: «بسیار نیکو» - پیدایش ۱: ۳۱.

۳. خدا با انسان طراوت یافت؛ خدا انسان را به صورت خود و با یک روح آفرید تا انسان بتواند با او مشارکت کند؛ بنابراین، انسان، طراوت خدا بود - آ. ۲۶: ۲؛ ۷: ر.ک. یوحنا ۴: ۳۱-۳۴.

۴. خدا قبل از آفرینش نوع انسان، «مجرد» بود (ر.ک. پیدایش ۲: ۱۸، ۲۲)؛ او می‌خواست انسان او را دریافت کند، عاشق او باشد، از او پر شود، و او را ابراز کند تا همسر او شود (۲ قرن‌تیا ۱۱: ۲؛ افسسیان ۵: ۲۵)؛ در ابدیت، خدا همسری خواهد داشت، اورشلیم نو، که همسر بره خوانده می‌شود (مکاشفه ۲۱: ۹-۱۰).

۵. انسان مثل یک آشامیدنی گوارا برای رفع تشنگی خدا و ارضای او بود؛ هنگامی که خدا کارش را به پایان رساند و آغاز به استراحت کرد، انسان را به عنوان همراه خود داشت.

۶. برای خدا، روز هفتم روز استراحت و طراوت بود؛ با این حال، برای انسان، همراه خدا، روز استراحت و طراوت، روز اول بود؛ روز اول انسان، روز مسرت بود.

ت. این یک اصل الهی است که خدا از ما نمی‌خواهد کار کنیم تا وقتی که مسرت برده باشیم؛ پس از مسرت کامل با او و از او، می‌توانیم با او کار کنیم:

۱. اگر ندانیم چگونه با خدا مسرت ببریم، چگونه از خود خدا مسرت ببریم، و چگونه از خدا پر شویم، نخواهیم دانست چگونه با او کار کنیم و در کار الهی او با او یک باشیم؛ انسان از آنچه خدا در کار خود به انجام رسانده است مسرت می‌برد.

۲. در روز پنطیکاست، شاگردان از روح پر شدند، که یعنی آنها از مسرت خداوند پر شده بودند؛ از آنجا که آنها از روح پر شده بودند، دیگران فکر می کردند که آنها از شراب مست شده اند – اعمال ۲: ۴، ۱۲-۱۳.

۳. در واقع، آنها از مسرت شراب آسمانی پر شدند؛ فقط پس از اینکه آنها از این مسرت پر شدند، آغاز به کار با خدا در یگانگی با او کردند. پنطیکاست، روز اول از هفته هشتم بود. بنابراین، در مورد روز پنطیکاست، اصل روز اول را می بینیم.

۴. با خدا، موضوع کار و استراحت است؛ با انسان، موضوع استراحت و کار است. ث. در انجام کار الهی خدا برای بنای کلیسا، که نماد آن، کار بنای مسکن است، ما باید حامل نشانه ای باشیم که نشان دهد ما مردم خدا هستیم و به او نیاز داریم؛ سپس قادر خواهیم بود نه تنها برای خدا، بلکه با خدا نیز توسط یک بودن با خدا کار کنیم؛ او قوت ما برای کار کردن و انرژی ما جهت زحمت کشیدن خواهد بود:

۱. ما مردم خدا هستیم و باید حامل نشانه ای باشیم که به او نیاز داریم تا مسرت، قوت، انرژی و همه چیز ما باشد تا بتوانیم برای او کار کنیم تا او را عزت و جلال دهیم.

۲. شَبَّات به این معناست که قبل از اینکه برای خدا کار کنیم، باید از خدا مسرت ببریم و از او پر شویم. پطرس انجیل را توسط خدای پُرکننده، روح پُرکننده بشارت داد. بنابراین، پطرس نشانه ای داشت که او همکار خدا بود، و بشارت انجیل توسط او عزت و جلال برای خدا بود – آ. ۱۴.

۳. به عنوان مردم خدا، ما باید حامل نشانه ای باشیم که اول با خدا استراحت می کنیم، از خدا مسرت می بریم، و از خدا پر می شویم، و سپس با همان که ما را پر می کند کار می کنیم؛ علاوه بر این، ما نه تنها با خدا کار می کنیم، بلکه همچنین به عنوان کسانی که با خدا یک هستند کار می کنیم.

۴. در سخن گفتنمان با مردم خدا، ما همیشه باید به دنبال حمل نشانه ای باشیم که خداوندمان، قوت، انرژی و همه چیز ما برای خدمتگزاری کلام است – ۲ قرنتیان ۱۳: ۳؛ اعمال ۶: ۴.

ج. حفظ شَبَّات همچنین یک توافق یا پیمان جاودان است که به خدا اطمینان می دهد که ما اول با مسرت بردن از او و پر شدن از او و سپس با کار کردن برای او، با او، و در یگانگی با او، با او یک خواهیم بود – خروج ۳۱: ۱۶:

۱. این موردی جدی است که توسط خودمان برای خداوند کار کنیم بدون اینکه او را در خود بپذیریم و با نوشیدن و خوردن او، از او مسرت ببریم – ۱ قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ یوحنا ۶: ۵۷.

۲. همانطور که پطرس در روز پنطیکاست سخن می گفت، دروناً از عیسی برخوردار شده، از او می نوشید و می خورد.

چ. شَبَّات همچنین موضوع تقدیس است (خروج ۳۱: ۱۳)؛ وقتی از خداوند مسرت می بریم و سپس با او، برای او، و با یک بودن با او کار می کنیم، خود به خود تقدیس شده، از هر چیز عادی به سوی خدا جدا می شویم، و با خدا اشباع می شویم تا جایگزین هر چیز جسمانی و طبیعی شویم.

ح. در زندگی کلیسایی ممکن است کارهای زیادی انجام دهیم بدون اینکه اول از خداوند مسرت ببریم و بدون اینکه با یک بودن با خداوند به خداوند خدمت کنیم؛ آن نوع خدمت منجر به مرگ روحانی و از دست دادن مشارکت در بدن می شود (آ. ۱۴-۱۵).

خ. هرآنچه مربوط به محل سکونت خداست، ما را به یک مورد رهبری می کند – به شَبَّات با استراحت و طراوت خداوند؛ ما در زندگی کلیسایی در مسکن هستیم، و مسکن ما را به استراحت، به مسرت از مقصود خدا و آنچه او انجام داده است، رهبری می کند!

د. کار بنای مسکن و تمام اسباب آن (که نمادی از کار خداوند برای بناسازی کلیساست) باید با مسرت از خدا آغاز شود و در فواصل زمانی با طراوت توسط مسرت بردن از خدا ادامه یابد؛ این نشان خواهد داد که ما برای خدا نه با قوت خودمان، بلکه با مسرت از او و با یک بودن با او کار می کنیم؛ این حفظ اصل شَبَّات با مسیح به عنوان استراحت درونی در روحمان است.

پیام شش
مسیح به عنوان آن که دارای تمامی اقتدار
در آسمان و بر زمین است

خواندن متون مقدس: متی ۷: ۲۹؛ ۲۱: ۲۴؛
لوقا ۵: ۲۴؛ رومیان ۹: ۲۱-۲۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷

۱. ما باید تعریفی از «قدرت [اقتدار]» داشته باشیم – متی ۷: ۲۹:

- آ. بهترین تعریف اقتدار «قدرت یا حق دستور دادن، تصمیم گرفتن، و اجرای اطاعت است، که اغلب از یک موقعیت قدرت یا تخصص ناشی می‌شود».
- ب. در کتاب مقدس، اقتدار، «حق اخلاقی جهت به تمرین گذاشتن قدرت است، که در نهایت از خدا ناشی شده و از او سرچشمه می‌گیرد».

۲. خدا والاترین اقتدار است؛ او دارای تمامی اقتدار است – رومیان ۹: ۲۱-۲۲:

- آ. اقتدار خدا نمایانگر خود خداست؛ قدرت خدا فقط نمایانگر کارهای خداست – متی ۲۱: ۲۴؛ لوقا ۵: ۲۴.
- ب. اقتدار خدا، در واقع خود خداست؛ اقتدار از وجود خود خدا ناشی می‌شود – مکاشفه ۲۲: ۱.
- پ. تمامی اقتدار – روحانی، جایگاهی، و حکومتی – از خدا ناشی می‌شود – ۲ قرننیا ۱۰: ۸؛ ۱۳: ۱۰؛ یوحنا ۱۹: ۱۰-۱۱؛ پیدایش ۹: ۶.
- ت. وقتی اقتدار خدا را لمس می‌کنیم، خود خدا را لمس می‌کنیم – اشعیا ۶: ۵-۱:
۱. ملاقات با اقتدار خدا، ملاقات با خداست – عاموس ۴: ۱۲.
۲. رنجاندن اقتدار خدا همان رنجاندن خود خداست.
- ث. در رابطه ما با خدا، هیچ چیز مهم‌تر از لمس اقتدار نیست – اعمال ۹: ۵؛ متی ۱۱: ۲۵.
- ج. شناختن اقتدار، یک مکاشفه درونی است تا یک تعلیم بیرونی – اعمال ۲۲: ۶-۱۶.
- چ. فقط خدا اقتدار مستقیم انسان است؛ تمامی اقتدارات دیگر، اقتدارات غیرمستقیم هستند – اقتدارات واگذار شده، اقتدارات نایب، که توسط خدا مقرر شده است – دانیال ۴: ۳۲، ۳۷-۳۴:
۱. فقط وقتی اقتدار خدا را ملاقات می‌کنیم می‌توانیم تسلیم اقتدارات واگذار شده‌ای شویم که خدا مقرر می‌کند – متی ۲۸: ۱۸؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷؛ ۱ پطرس ۵: ۵.
۲. خدا مستلزم می‌کند که ما نه تنها به او، بلکه به همه اقتدارات واگذار شده نیز تسلیم باشیم – رومیان ۱۳: ۱-۷؛ ۲ قرننیا ۱۰: ۸؛ ۱۳: ۱۰؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷.
۳. کسانی که تسلیم اقتدار غیرمستقیم خدا نمی‌شوند، نمی‌توانند تسلیم اقتدار مستقیم خدا شوند.
۴. خدا می‌خواهد که ما تسلیم اقتدار غیرمستقیم – اقتدارات واگذار شده – شویم تا بتوانیم تأمین روحانی دریافت کنیم.

ح. ما همه باید اقتدار را ملاقات کنیم، توسط خدا محدود شویم، و توسط اقتدار واگذار شده او رهبری شویم – اشعیا ۳۷: ۱۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷.

۳. و اصل بزرگ در عالم هست – اقتدار خدا و طغیان شیطان؛ ستیز منحصر به فرد بین خدا و شیطان مربوط به اقتدار است – اعمال ۲۶: ۱۸؛ کولسیان ۱: ۱۳:

آ. طغیان، انکار اقتدار خدا و رد حکمرانی خداست:

۱. شیطان، در ابتدا فرشته‌ای مقرب بود که توسط خدا آفریده شد، ولی به خاطر غرورش خود را رفعت داد، حاکمیت خدا را نقض کرد، علیه خدا طغیان کرد، مخالف خدا شد و پادشاهی خود را برقرار کرد – اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۴؛ حزقیال ۲۸: ۲-۱۹؛ متی ۱۲: ۲۶.
۲. وقتی انسان گناه کرد، علیه خدا طغیان کرده، اقتدار خدا را انکار کرد و حکومت خدا را رد

نمود. در بابل، انسان‌ها دسته جمعی علیه خدا طغیان کردند تا اقتدار خدا را از زمین محو کنند - پیدایش ۳: ۱-۶؛ ۱۱: ۱-۹.

ب. اگرچه شیطان علیه اقتدار خدا طغیان کرد و اگرچه انسان با طغیان علیه او، اقتدار او را نقض می‌کند، خدا اجازه نخواهد داد که این طغیان ادامه یابد؛ او پادشاهی خود را بر روی زمین برقرار خواهد کرد - مکاشفه ۱۱: ۱۵.

پ. مرکز مشاجره در عالم مربوط به این است که چه کسی اقتدار دارد - ۴: ۲-۳: ۱. ما باید با این ادعا که اقتدار از آن خداست، با شیطان مجاهده کنیم - اعمال ۱۷: ۲۴، ۳۰. ۲. ما باید خود را برای تسلیم شدن به اقتدار خدا و حمایت از اقتدار خدا مصمم کنیم - متی ۱۱: ۲۵.

ت. گناه طغیان، جدی‌تر از هر نوع گناه دیگری است - ۱ سموئیل ۱۵: ۲۳.

۴. شخصی که نماینده خدا با اقتدار است (یک نایب اقتدار) باید دارای صلاحیت‌های زیر باشد:

- آ. او باید تسلیم اقتدار باشد - متی ۸: ۸-۹.
- ب. او باید دریابد که در خودش هیچ اقتداری ندارد - ۲۸: ۱۸؛ ۲ قرنطیان ۱۰: ۸؛ ۱۳: ۱۰.
- پ. او باید اراده خدا را بشناسد - افسسیان ۱: ۹؛ ۵: ۱۷.
- ت. او باید کسی باشد که خود را انکار می‌کند - متی ۱۶: ۲۴.
- ث. او باید با خداوند یک باشد و در مشارکت دائمی و صمیمی با خداوند زندگی کند - ۱ قرنطیان ۶: ۱۷؛ ۹: ۱؛ ۱ یوحنا ۱: ۳.
- ج. او نباید باطنی باشد و نباید طبق احساسات خود عمل کند - ۲ قرنطیان ۳: ۵.
- چ. او باید در رسیدگی به دیگران مهربان و فیاض باشد - لوقا ۶: ۳۵؛ ر.ک. رومیان ۵: ۱۵-۱۶؛ ۱ قرنطیان ۲: ۱۲.
- ح. او باید شخصی در رستخیز بوده، در حیات رستخیز مسیح زندگی کند - ۲ قرنطیان ۱: ۹؛ ۴: ۱۴.
- خ. او باید در برابر خدا جایگاهی افتاده داشته باشد - اعداد ۱۴: ۵؛ ۱۶: ۳-۴، ۲۲، ۴۵؛ متی ۱۱: ۲۹؛ رومیان ۱۲: ۱۶؛ لوقا ۱۴: ۷-۱۱؛ ۱ پطرس ۵: ۵-۶.
- د. او باید بتواند متحمل رنجش‌ها باشد - خروج ۱۶: ۷؛ اعداد ۱۴: ۲، ۵، ۹، ۲۷؛ متی ۶: ۱۴-۱۵؛ ۱ قرنطیان ۴: ۶-۱۳.
- ذ. او باید از ناتوانی و نامناسب بودن خود آگاهی داشته باشد - خروج ۳: ۱۱؛ ۴: ۶-۷، ۱۰؛ ۲ قرنطیان ۵: ۳؛ ۱ قرنطیان ۱۵: ۱۰.
- ر. او باید کسی باشد که به طور شایسته خدا را نمایندگی کند - اعداد ۲۰: ۲-۱۳؛ ۲ قرنطیان ۵: ۱۸، ۲۰؛ افسسیان ۶: ۲۰.

۵. مهمترین دعا و روحانی‌ترین دعا، دعای اقتدار است - متی ۱۸: ۱۸؛ مرقس ۱۱: ۲۰-۲۴:

- آ. دعای اقتدار، فرمانی بر اساس اقتدار است - اشعیا ۴۵: ۱۱؛ مرقس ۱۱: ۲۰-۲۴: ۱. دعای اقتدار، دعایی امرکننده است - اشعیا ۴۵: ۱۱.
۲. اگر بخواهیم دعاهایی وزین و ارزشمند در برابر خدا داشته باشیم، باید بتوانیم مقداری فرامین مقتدرانه در برابر خدا بیان کنیم - مرقس ۱۱: ۲۳.
- ب. دعای اقتدار دو جنبه دارد - بستن و گشودن - متی ۱۸: ۱۸: ۱. دعا‌های معمولی، دعاهایی هستند که از خدا می‌خواهند ببندد و بگشاید. ۲. دعا‌های با اقتدار، دعاهایی هستند که ما با به تمرین گذاشتن اقتدار، می‌بندیم و می‌گشاییم.
- پ. دعا کردن با اقتدار، دعای مرقس ۱۱: ۲۰-۲۴ است - دعایی که نه خطاب به خدا، بلکه خطاب «بدین کوه» است - آ. ۲۳: ۱. دعایی با اقتدار، از خدا نمی‌خواهد کاری انجام دهد؛ بلکه اقتدار خدا را به تمرین می‌گذارد و این اقتدار را برای رسیدگی به مشکلات و چیزهایی که باید برداشته شوند، به کار می‌گیرد - آ. ۲۳.

۲. دعایی با اقتدار، مستقیماً از خدا نمی‌خواهد؛ بلکه با اعمال مستقیم اقتدار خدا، به مشکلات رسیدگی می‌کند - خروج ۱۴: ۱۵-۲۷.
۳. مهمترین کار غلبه کنندگان، آوردن اقتدار تخت [سلطنت] به زمین است؛ اگر می‌خواهیم یک غلبه کننده باشیم، باید یاد بگیریم که با اقتدار دعا کنیم و به کوه سخن گوئیم - مکاشفه ۱۱: ۱۵؛ ۱۲: ۱۰.
- ت. وقتی کلیسا با اقتدار دعا می‌کند، بر هاویه حکمرانی می‌کند - متی ۱۶: ۱۸:
 ۱. کلیسا اقتدار دارد که بر هر چیز شیطانی حکمرانی کند.
 ۲. کلیسا باید تمام فعالیت‌های ارواح شریر را به وسیله دعا مهار کند و باید از طریق دعا تمرین تسلط نماید - لوقا ۱۰: ۱۷-۱۹؛ متی ۱۸: ۱۸.
- ث. اگر بخواهیم دعای اقتدار داشته باشیم، اول باید خودمان تسلیم اقتدار خدا شویم. اگر تسلیم اقتدار خدا مربوط به جایگاه خدا نشویم و در زندگی روزانه و در تمام امور عملی خود تسلیم اقتدار او نشویم، نمی‌توانیم با اقتدار دعا کنیم - اشعیا ۴۵: ۱۱؛ ۱ پطرس ۵: ۶؛ مکاشفه ۲۲: ۱.
- ج. دعای اقتدار، آسمان را نقطه شروع و زمین را مقصد خود قرار می‌دهد - غزل غزلها ۴: ۸؛ ۶: ۱۰؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۲: ۶؛ ۶: ۱۸:
 ۱. دعایی با اقتدار، از آسمان به زمین خوانده می‌شود؛ آن از یک جایگاه آسمانی آغاز شده و از آسمان به زمین پایین می‌رود - ۲: ۶.
 ۲. دعا کردن به سمت پایین، ایستادن در جایگاهی که مسیح در جایهای آسمانی به ما داده، امر کردن با اقتدار به شیطان و رد کردن تمام کارهای او، و اعلام کردن با اقتدار که تمام فرامین خدا باید انجام شود، است - متی ۹: ۱۰-۹.
- چ. جایگاه دعا، صعود است و اقتدار دعا نیز صعود است؛ همه دعاها در صعود، دعاها با اقتدار هستند - افسسیان ۲: ۶؛ ۱: ۲۲-۲۳:
 ۱. دعای اقتدار، دعای کسی است که می‌تواند با ایستادن در جایگاه صعود، فرامین را صادر کند - اشعیا ۴۵: ۱۱.
 ۲. اگر در جایگاه صعود باشیم، دعای ما برابر با مدیریت خدا خواهد بود؛ این اجرای فرامین او خواهد بود - مکاشفه ۸: ۳-۵.
- ح. وقتی به نقطه‌ای می‌رسیم که جایگاه و اقتدار آسمانی داریم و بدین ترتیب می‌توانیم دعاها با اقتدار بیان کنیم، بر تخت هستیم و با خداوند سلطنت می‌کنیم - افسسیان ۲: ۵-۶؛ مکاشفه ۳: ۲۱؛ ر.ک. حزقیال ۱: ۲۶:
 ۱. در این زمان، دعای ما نه تنها یک دعای مقتدرانه، بلکه یک دعای سلطنت کننده نیز هست، و دعای ما به مدیریت خدا، اجرای حکمرانی خدا، تبدیل می‌شود - رومیان ۵: ۱۷، ۲۱؛ متی ۱۸: ۱۸؛ مکاشفه ۸: ۳-۵.
 ۲. اگر مایل به یادگیری باشیم، به جایی خواهیم رسید که می‌توانیم چنین دعاها را برای برآورده شدن مقصود جاودان خدا بیان کنیم - افسسیان ۱: ۱۰-۱۱؛ ۳: ۱۱-۹.